

آسیب شناسی مشارکت اجتماعی جوانان و طراحی مدل راهبردی آن در جامعه کنونی

علیرضا ترکاشوند^۱، فرهاد امام جمعه^۲، امین گودرزی^۳

چکیده

جوانان کشور ما علیرغم آنکه به میزان زیادی از آگاهی‌های اجتماعی، در رابطه با جامعه ملی و جهانی برخوردارند، کمترین نقش را در توزیع منافع و مسئولیت‌های اقتصادی-اجتماعی دارند. این مسئله، تأثیرات مخربی بر هنجارها و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی آنان می‌گذارد. که از جمله می‌توان به بدبینی به روند مدیریت امور کشور، عدم اعتماد به افراد جامعه و... اشاره کرد. هدف از ارائه این مقاله، شناسایی و نشان دادن تأثیرات منفی مسئله فوق و در نهایت، ارائه پیشنهادهایی برای رفع این مسئله است. در مقاله حاضر، از دو دیدگاه نظری؛ نظریه پارسونز و نظریه توکویل و دیویس، به‌عنوان مبنای نظری استفاده کرده‌ایم و سپس بر اساس این چهارچوب نظری به تجزیه و تحلیل مسئله فوق در ایران پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: جوانان، استقلال، مشارکت اجتماعی، نابهنجاری‌ها

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک / at137023@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان

مقدمه و بیان مساله

موضوع استقلال جوانان، از جمله مشکلات جامعه امروزی ایران است؛ چرا که این امر با چالشهای متعددی در کشور ما روبروست. البته استقلال جوانان ابعاد مختلف فکری، هویتی، اقتصادی و ... را شامل می‌شود اما آنچه در این نوشتار مورد نظر ماست، استقلال اقتصادی-اجتماعی می‌باشد.

با گذر از دوره کودکی و نوجوانی و ورود به دوره جوانی فرد آمادگی تقبل مسئولیتهای اقتصادی - اجتماعی را پیدا می‌کند و به موازات تقبل مسئولیتهای اجتماعی نیز میزان آگاهیهای سیاسی و اجتماعی او افزایش می‌یابد و این امر نیز بتدریج درگیری او را در مسئولیتهای اجتماعی بیشتر می‌سازد. یکی از مشکلات اساسی که جوانان امروز، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه و بویژه ایران، با آن مواجه هستند، شرایطی است که از یک طرف موجب به تأخیر افتادن استقلال جوانان از خانواده پدری و به عهده گرفتن مسئولیتهای اجتماعی در جامعه - که این امر به نوبه خود با ساختارهای نامناسب اقتصادی، فقدان مهارتهای شغلی، ارزشهای سنتی و ... مرتبط می‌باشد و از طرف دیگر افزایش میزان آگاهیهای اجتماعی آنان از جامعه ملی و جهانی است. در واقع، مساله این است که میان آگاهیهای اجتماعی جوانان و تاخیر در روند استقلال آنان تعادل وجود ندارد و این عدم تعادل پیامدها و مشکلاتی را ایجاد می‌کند. برای نمونه می‌توان به ناهنجاریهایی از جمله بدبینی جوانان نسبت به مدیریت و روندهای سیاسی کشور، کاهش اعتماد جوانان به افراد دیگر جامعه و ... اشاره کرد. این مشکلات و پیامدها، در نظر سنجی‌های مختلفی به اثبات رسیده است. به عنوان مثال یافته‌های تحقیقی که محمد سعید ذکایی در سال ۱۳۸۱ از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران به عمل آورده، نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از پاسخگویان (۴۶٪) به سیاست گذاران اعتماد ندارند و فقط ۱۳٪ پاسخگویان، آنها را قابل اعتماد می‌دانند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

در یک جامعه، هر چه افراد در توزیع منافع و مسئولیتهای اقتصادی و اجتماعی، نقش بیشتری داشته باشند، به همان میزان بیشتر مدافع روند امور در جامعه خواهند بود و نگرشهای متعادل تری نسبت به جامعه ی خود خواهند داشت و بالعکس. از آنجا که جوانان در ایران علی‌رغم آنکه درصد بیشتری از جمعیت را نسبت به گروههای سنی بزرگتر از خود تشکیل می‌دهند، اما در توزیع منافع و مسئولیتهای اقتصادی و اجتماعی جامعه، کمترین نقش را دارند و در عین حال میزان آگاهیهای آنان از مسایل روز در سطح ملی و بین‌المللی از بزرگترها بیشتر است؛ بنابراین بدبینی آنان نسبت به روند امور جامعه و کشور قابل توجیه است. اهمیت این بحث از آن جهت است که جوانان بزرگترین بخش از جمعیت فعال کشور که موتور محرکه توسعه و پیشرفت جامعه ما می‌باشند، در صورتی که فاقد استقلال اقتصادی و اجتماعی لازم باشند؛ این امر تأثیرات و پیامدهای منفی بسیاری بر هنجارها و نگرشهای آنان نسبت به جامعه خود دارد. هدف از ارائه این مقاله، شناسایی و نشان دادن این تأثیرات منفی و ارائه پیشنهادهایی در جهت رفع این مساله

است.

چهارچوب نظری

با استفاده از دودیدگاه نظری میتوان مساله تحقیق را تحلیل کرد.

اولا بر اساس نظریه پارسونز^۱ در جامعه‌چهار عامل اساسی کنترل اجتماعی وجود دارد که عبارتند از: ۱) تامین منافع اقتصادی یا داشتن پول به عنوان مهم ترین ابزار آن، ۲) استفاده از قدرت یا زور، ۳) استفاده از تشویق یا اعمال نفوذ، ۴) توسل به وجدان افراد از طریق مطرح ساختن معیارهای درست و نادرست در یک نظام اخلاقی (بشیریه، ۱۳۸۹: ۸۶-۸۵). عوامل مزبور در تعادل هم فرد و هم نظام اجتماعی تعیین کننده هستند. در شرایط معمولی و شرایطی که میان نظام اجتماعی و محیط یک رابطه تعادلی وجود دارد، هر چهار مکانیسم کنترلی و نظارتی به خوبی عمل کرده و تعارضی نیز در میان ارزشهای گروههای مختلف سنی، جنسی و پایگاهی وجود ندارد. اما در شرایط تغییرات تند، با کاهش توان نظام ارزشهای مشترک در حفظ تعادل با محیط ابتدا اعتبار ارزشها و کلا نظام ارزشهای مشترک زیر سوال خواهد رفت و سپس در پی آن اعتبار هنجارها، اقتدار یا قدرت و پول نیز مخدوش خواهد شد. در چنین شرایطی، یعنی در شرایط تغییرات تند و عدم کارایی موثر نظام ارزشهای مشترک، افراد در گروههای مختلف سنی، جنسی، و پایگاهی به این وضعیت پاسخهای متفاوتی می‌دهند. هر چه گروههای مختلف در سایر عوامل کنترلی یا نظارتی، از موقعیت تثبیت یافته و مستحکم تری برخوردار باشند، برای نظام موجود و ارزشها و هنجارها و کلا ثبات وضع موجود بیشتر تلاش خواهند کرد و بالعکس افراد در گروههای کمتر برخوردار از عنصر پول، قدرت و منزلت، کمتر خود را پایبند به وضع موجود می‌بینند. چرا جوانان نسبت به حفظ وضع موجود و ارزشهای مربوطه کمتر از بزرگسالان پایبند هستند، زیرا جوانان کمتر از بزرگسالان اعتبار اجتماعی، قدرت و پول برخوردارند و به عبارت دیگر به خاطر عدم استقلال و جایگاه مشخص در مسئولیتهای اجتماعی، چندان تعهدی در خود برای پایبندی به ارزشها^۲ و هنجارها^۳ و کلا وضع موجود نمی‌بینند. اختلال جدی در روند استقلال جوانان به ویژه در کشورهای در حال توسعه و به تاخیر افتادن اشتغال، ازدواج و در پی آن کسب اعتبار و قدرت و مسئولیت اجتماعی، باعث بیگانگی بیشتر آنان از نظام اجتماعی موجود شده است. در واقع، اگر چه در وضعیت رو به رشد بحران اجتماعی هر روز تعداد بیشتری از افراد اعتماد خود را نسبت به ارزشها و هنجارهای موجود از دست می‌دهند، اما در این روند رو به رشد بی اعتمادی، کسانی که از موقعیت اقتصادی، اجتماعی پایبندتری برخوردارند، زودتر اعتماد خود را از دست می‌دهند.

عامل مهم دیگر در ایجاد چنین وضعیتی، میزان دسترسی به اطلاعات است. سابقا دسترسی به اطلاعات و

1Parsons
2 values
3 norms

میزان این دسترسی به کسب منزلت و جایگاه اجتماعی معطوف بود. با این وصف فرد ابتدا با توجه به نظام قشربندی اجتماعی و با رسیدن به بلوغ اجتماعی می‌توانست به اطلاعات بیشتری دسترسی پیدا کند. بنابراین فرد با افزایش سن و موقعیت اجتماعی، اطلاعات و تجربه بیشتری نسبت به افراد جوانتر و در موقعیت اجتماعی پایین تر بدست می‌آورد. اما امروزه این حصر شکسته شده و هر روز اهمیت خود را بیشتر از دست می‌دهد. با این وصف، گروه‌های مختلف به میزانی که فرصت و فراغت داشته باشند، می‌توانند از اطلاعات برخوردار شوند. به نظر می‌رسد جوانان نسبت به بزرگسالان امروز فراغت بیشتری دارند و همانطور که آمارها نشان می‌دهد بهره‌مندی بیشتری از رسانه‌ها و به تبع آن از اطلاعات دارند تا بزرگسالان. همچنین افراد در شرایط مادی مناسب مثل طبقات بالا و متوسط از امکان تحصیل مناسب تری برخوردارند و هم خود تحصیل و هم تاثیری که تحصیل در دسترسی بیشتر به اطلاعات دارد موجب می‌شود که گروه‌هایی از مردم مانند فرزندان طبقات بالا و متوسط از اطلاعات بیشتری برخوردار شوند، در حالیکه هنوز از قدرت، استقلال و اعتبار لازم و متناسب نسبت به بزرگسالان برخوردار نیستند.

با ترکیب این دو عامل یعنی میزان برخورداری از منافع، قدرت و موقعیت اجتماعی و میزان برخورداری از اطلاعات، می‌توان تفاوت و یا شکاف‌های ارزشی را در میان گروه‌های مختلف اجتماعی تبیین کرد. از آنجا که امکان دسترسی به اطلاعات امروز تا حدود زیادی رابطه خود را با موقعیت و جایگاه اجتماعی از دست داده است و از طرف مقابل گروه‌های مختلف به یکسان از منافع و قدرت برخوردار نیستند، این امر باعث می‌شود تا آن چیزی که توکویلو دیویس^۱ تحت عنوان توقعات فزاینده نامیده اند رخ دهد (کوهن، ۲۴۵: ۱۳۸۹-۲۴۰). در واقع، و بر اساس این تئوری هر چه اطلاعات فرد از محیط بیشتر می‌شود و متعاقباً سطح انتظارات او از جامعه نیز افزایش می‌یابد و در مقابل به همان میزان از موقعیت متناسب با آن انتظارات برخوردار نمی‌شود احتمال نارضایتی او از وضع موجود و ارزشهای آن بیشتر می‌شود. با این وصف جوانان، زنان و افراد در پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی محروم تر از منافع و قدرت و اعتبار اجتماعی به میزانی که از اطلاعات بیشتری برخوردار شوند، نارضایتی تر و معترض تر از سایرین خواهند شد و تفاوت یا شکاف ارزشی بیشتری با سایرین پیدا خواهند کرد.

تجزیه و تحلیل

در جامعه ما یک مشکل جدی در روند استقلال جوانان پیدا شده که اگر چه در کشورهای در حال توسعه این مشکل تا حدی وجود دارد، اما به نظر می‌رسد که در ایران این مشکل خیلی جدی تر است. بخشی از این مساله به اشتغال بر می‌گردد. دولت و یا برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور، آن طور که بایسته است نتوانسته ظرفیت‌های لازم را برای اشتغال جوانان ایجاد کند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال

۱۳۹۱، تنها حدود ۲۰ درصد جوانان در سن ۱۵ تا ۲۹ سال کشور اشتغال دارند که نشان دهنده وضعیت نا مطلوب اشتغال در کشور است (مرکز آمار ایران به نقل از asriran.com).

علاوه بر مشکل فوق، مساله ازدواج هم هست که در کشور ما بر خلاف بسیاری از عرف‌های جهانی به تاخیر می‌افتد. در کشورهای توسعه یافته تقریباً جوانان بلافاصله پس از خروج از مدرسه به سراغ کار می‌روند و بلافاصله هم ازدواج می‌کنند. منتهی در آنجا ازدواج یک شکل رسمی و یک شکل غیر رسمی دارد. در واقع مهم آن است که جوانان در این دسته از کشورها تشکیل خانواده می‌دهند و به این شکل عملاً بلافاصله بعد از خروج از دبیرستان مسئولیت اجتماعی می‌گیرند. بنابراین جوانان هم به لحاظ این که شغل پیدا می‌کنند و هم به لحاظ اینکه می‌توانند در واقع تشکیل خانواده بدهند زمینه استقلالشان فراهم می‌شود، خصوصاً در کشور ما که خانواده یکی از کانالهایی است که فرد می‌تواند مسئولیت‌های اجتماعی را بر عهده بگیرد. در جامعه ما برای جوانی که هنوز خانواده تشکیل نداده و شغل ندارد، موقعیت اجتماعی تثبیت شده ای در نظر گرفته نمی‌شود. در واقع تا حدی چنین فردی ناقص شناخته می‌شود.

بر اساس آماری که مربوط به سال ۱۳۸۵ است ۲۹/۸ درصد جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال متاهل هستند که البته بیشتر آنها دختران می‌باشند و تعداد جوانان پسر خیلی کمتر است. جدول زیر وضعیت تاهل و نقش فرد در خانواده را نشان می‌دهد

جدول وضع تاهل و نقش فرد در خانواده (۱)

سن		نسبت با سرپرست	سن		وضع تاهل
۲۹-۱۵	+۳۰		۲۹-۱۵	+۳۰	
۵۶/۱	۰/۹	سرپرست	۴	۶۹/۶	مجرد
۳۸/۵	۱۷/۵	همسر	۹۰/۷	۲۹/۸	متاهل

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵.

بنابراین، تقریباً همه عوامل حاکی از آن است که جوانان ما (۱۵ تا ۲۹ سال) علیرغم اینکه ۵۳٪ جمعیت ۱۵ سال به بالا را به خود اختصاص می‌دهند، اما از نظر داشتن موقعیت اقتصادی و قدرت جایگاهی در جامعه ندارند.

از یک طرف این مشکل استقلال جوانان را داریم، و از طرف دیگر چیزی که به نظر می‌رسد این مشکل را تشدید می‌کند، مساله اطلاعات و دسترسی به اطلاعات است. سابقاً، اطلاعات و دسترسی به آن برای افراد در شرایطی حاصل می‌شد که موقعیت اجتماعی پیدا می‌کردند. در واقع، افراد پس از اینکه به بلوغ رسیده و تشکیل خانواده داده و بتدریج وارد اجتماع شده و مسئولیتهای اجتماعی به عهده می‌گرفتند، به همان میزان نیز به اطلاعات دسترسی پیدا می‌کردند. در حالی که مطالعات نشان می‌دهد که در حال حاضر بیشترین اطلاعات

را جوانان دارند کسب می‌کنند. با توجه به اینکه جوانان در حال حاضر بیشترین اوقات فراغت یا زمان آزاد را دارند، بنابراین به مراتب بیش از بزرگسالان از اطلاعات در همه زمینه‌های جهانی و داخلی برخوردار می‌شوند. در یکی از طرح‌های تحقیقاتی، میزان بهره مندی جوانان از رسانه‌ها با بزرگسالان مقایسه شده است.

جدول مصرف کالاهای فرهنگی جوانان و بزرگسالان (۲)

کتاب غیر درسی		دسترسی به اینترنت		مطبوعات		تلویزیون		سن
کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه	
۲۷/۹	۷۲/۱	۳۷/۱	۷۲/۹	۶۷/۵	۳۲/۵	۸۶/۱	۱۳/۹	۱۵-۲۹
۴۸/۸	۵۱/۲	۴۰/۳	۵۹/۷	۵۱/۱	۴۸/۹	۸۰/۳	۱۹/۷	+۳۰

منبع: الیاسی، ۱۳۹۰: ۷۰.

همانطور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود در حال حاضر مصرف کالاهای فرهنگی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال بیشتر از سایر گروه‌های سنی است و با این وصف، جوانان اطلاعات بیشتری از دنیای پیرامون خود کسب می‌کنند. همچنین، میانگین تحصیلات در بین جوانان خیلی بیشتر از بزرگسالان است و هر چه به گروه‌های سنی بالاتر نزدیک می‌شویم میزان تحصیلات افراد کمتر می‌شود. جدول زیر میزان تحصیلات در میان جوانان و بزرگسالان را نشان می‌دهد.

جدول میزان تحصیلات (۳)

میزان تحصیلات		بیسواد	ابتدایی	متوسطه	دیپلم	عالی
۱۵-۲۹	۰/۶	۶/۲	۳۴/۲	۳۱/۸	۲۷/۲	
+۳۰	۱۰/۴	۲۶/۹	۲۰/۷	۲۰/۴	۲۱/۶	

منبع: کلانتری، ۱۳۹۲: ۱۱۹.

بنابراین همانگونه که ملاحظه شد مشکلی که اتفاق می‌افتد، این است که از یک طرف جوانان بیش از بقیه اطلاعات دارند یا در معرض اطلاعات از جهان، اطراف، محیط و پیرامون خود قرار می‌گیرند، اما از

طرف دیگر فاقد موقعیت اجتماعی، استقلال و قدرت اند و یا از این نظر در حداقل هستند. در یک جامعه ی در حال تغییرات سریعی مانند ایران که می‌دانیم هم به خاطر مسایل توسعه اقتصادی- اجتماعی و هم به خاطر انقلاب اسلامی، تغییرات در آن به شدت زیاد بوده و در واقع اوضاع دائم در حال تغییر و دگرگونی بوده است، آنچه اتفاق می‌افتد این است که تقریباً همیشه تعادل بین نظام ارزش‌های اجتماعی جامعه با محیط آن به هم می‌خورد. بنابراین در چنین شرایطی، نظام ارزش‌های اجتماعی برای افراد جامعه دائم مورد تردید قرار می‌گیرد و اعتبار آن زیر سوال می‌رود. تقریباً الان در اکثر نظر سنجی هایی که انجام شده است دیده می‌شود که میزان اعتماد عمومی نسبت به ارزش‌های اجتماعی، خصوصاً ارزش‌های در سطح ملی و کلان، به تدریج در حال کاهش است. یکی از دلایل عمده آن، سرعت تحولات و این مطلب است که نظام ارزش‌ها قادر نیست بر مسائل محیطی کنترل و نظارت خود را اعمال کند. در چنین شرایطی که نظام ارزش‌های اجتماعی دائماً بی اعتبار شده و مورد بی اعتمادی قرار می‌گیرد، جامعه به به گروه‌های اجتماعی مختلف تقسیم می‌شود. هر چه افراد در چنین جامعه ای از موقعیت ها، منافع، قدرت و فرصت‌های بیشتری برخوردار باشند، اعتماد آنان بیشتر از کسانی است که از قدرت، منافع و موقعیت اجتماعی کمتری برخوردارند. جوانان از جمله کسانی هستند که از قدرت، منافع و موقعیت اجتماعی کمتری برخوردارند. بنابراین احساس بی قدرتی می‌کنند و بدیهی است که بیش از بقیه ی گروه‌های اجتماعی نسبت به نظام ارزش‌های اجتماعی موجود، اعتماد خود را از دست بدهند. در این رابطه، برخی آمارها در جدول زیر آمده اند.

جدول نگرش‌های جوانان نسبت به اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور در مقایسه با بزرگسالان (۴)

سن		میزان	اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور
۱۵-۲۹	۳۰+		
۲۷/۶	۳۷/۵	زیاد	پیگیری اخبار کشور
۷۲/۴	۶۲/۵	کم و متوسط	
۱۰/۷	۱۹/۱	زیاد	میزان اعتماد به مردم
۸۹/۳	۸۰/۹	کم و متوسط	
۱۹/۹	۳۹/۷	مذهبی تر	مردم در ۵ سال آینده
۸۰/۱	۶۰/۳	غیر مذهبی تر	
۴۱/۳	۵۰/۵	موافق	عدم دسترسی به مقام با وجود تجربه و تخصص
۵۸/۷	۴۹/۵	مخالف	

منبع: معید فر، ۱۳۸۷: ۲۲۸.

همانطور که مشخص است، بزرگسالان در مقایسه با جوانان، دارای نگرش‌های خوش بینانه تر و متعادل

تری نسبت به اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور می‌باشند.

در رابطه با مشارکت اجتماعی و سهم جوانان در تغییرات اجتماعی نیز، در تحقیقی این نتیجه به دست آمده است که به رغم آنکه بیشتر جوانان نمونه‌ی تحقیق به مشارکت اجتماعی و سیاسی علاقه مند بوده‌اند و نسبت به انجام فعالیت‌های داوطلبانه نیز اظهار تمایل کرده‌اند، نیمی از آنها معتقد بودند که سهم آنها در غیر محیط پیرامونشان به عنوان یک شهروند ناچیز است و فقط حدود ۱۰ درصد از آنها خود را در این زمینه زیاد می‌دیدند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

نتیجه‌گیری و راه‌بردهای پیشنهادی

جوانان در کشور ما از استقلال اقتصادی-اجتماعی آنچنان که بایسته است، برخوردار نیستند که این امر به نوبه خود باعث سرخوردگی آنها می‌شود. اما آنچه باعث عمیق تر شدن مسأله می‌شود، موضوع دسترسی به اطلاعات است؛ چراکه جوانان در جریان اطلاعات وسیع قرار می‌گیرند و این اطلاعات آنان را با دنیای پیشرفته، دنیای در حال تغییر، ارزشهای دایمانوبه‌نوی، نظریه‌ها و دیدگاههای جدید آشنا می‌کند و به همان میزان سطح انتظار و توقع آنان افزایش می‌یابد. در نتیجه‌ی این عدم تعادل، این نسل دچار نوعی بدبینی و یأس نسبت به آینده و مسایل خودشان می‌شوند. برای رفع مسأله فوق، راهبردهای ذیل پیشنهاد می‌گردند: (۱) تحصیلات: جمعیت زیادی از جوانان مادرای تحصیلات عالی هستند و این یک ظرفیت بالابرای استقلال اقتصادی و همچنین مشارکت اجتماعی آنها فراهم می‌آورد، لیکن آنچه مانع از بهره‌گیری درست از این ظرفیت است، ایجاد محدودیت‌های دانشگاهی بدون توجه به تناسب آنها با شرایط اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی یک شهرستان، و همچنین فقدان آموزش مهارت‌های مورد نیاز هر رشته دانشگاهی برای ورود به بازار کار است. (۲) علاقمندی به مشارکت: جوانان تمایل زیادی برای شرکت در فعالیتهای گروهی دارند، اما متأسفانه یا فرصت به آنها داده نمی‌شود یا اساساً اعتمادی به آنها وجود ندارد در حالیکه از این پتانسیل میتوان با شناسایی زمینه‌ی علاقمندی جوانان، بهره‌گرفت و مسئولین و متولیان آنها را در انواع فعالیتهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دخالت دهنده به استقلال اقتصادی-اجتماعی آنان کمک کنند.

منابع

- ۱- الیاسی، مجید (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر مصرف کالاهای فرهنگی در بین جوانان، دو فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال دوم، شماره ۲، صص ۷۶-۵۵؛
- ۲- بشیریه، حسین (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی
- ۳- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی جوانان ایران، تهران، نشر آگه
- ۴- کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۲)، تحصیلات و مصرف فرهنگی در شهر تهران، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۱۱؛

آسیب شناسی مشارکت اجتماعی جوانان و طراحی مدل راهبردی آن در جامعه کنونی □ ۳۷۷

۵- کوهن، آلوین استانفورد (۱۳۸۹)، تئوری‌های انقلاب، تهران، نشر قومس

۶- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۱ و ۱۳۸۵)

۷- معید فر، سعید (۱۳۸۷)، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، همدان، انتشارات نور علم

8- www.asriran.com